



## Participation Obstacles in Achieving Good Urban Governance, with a Focus on the Civil Sector (Case Study: Yazd)

Mohammad Mobaraki<sup>1</sup>  Fatemeh Teymouri<sup>2</sup> 

1. Corresponding author, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran. E-mail: [mobaraki\\_md@yazd.ac.ir](mailto:mobaraki_md@yazd.ac.ir)

2. Department of Social Sciences, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran. E-mail: [f.teymuori@yahoo.com](mailto:f.teymuori@yahoo.com)

---

### Article Info

#### Article type:

Research Article

#### Article history:

Received: 23 May 2022

Received in revised form: 11 August 2022

Accepted: 15 October 2022

Published online: 10 April 2023

#### Keywords:

Social participation, Social Capital, Good Governance, Social Trust, Civil Sector

---

### ABSTRACT

Social participation is a process based on collective wisdom and conscious and voluntary behavior that involves the participation of all stakeholders in all aspects of planning and decision-making, management, implementation, evaluation, and control, and the sharing of benefits and profits to achieve the goal. It specifies that this should be considered in order to attain good governance. This study seeks to identify the obstacles to participation in the realization of good urban governance, with a focus on the civil sector.

This study was conducted using qualitative methods and semi-structured interviews with a purposeful sample of 10 civil society actors; the results were analyzed using thematic analysis.

The collected data were analyzed under the headings of a primary theme, the lack of social capital, and a secondary theme, the frailty of civil society. Consequently, the fortification of the public sector and the increase in social capital can be felt to facilitate the attainment of good governance. In general, based on the findings of the study, civil participation in Yazd is minimal, and the civil society is weak.

For good governance to be realized, a civil society predicated on civil participation must exist. In this regard, the government should reexamine centralized policies and devolve more authority to local communities in order to facilitate a greater level of citizen and local government participation in activities and affairs.

---

**Cite this article:** Mobaraki, M., & Teymouri, T. (2023). Participation Obstacles in Achieving Good Urban Governance, with a Focus on the Civil Sector (Case Study: Yazd). *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 12 (1),129-150  
<https://doi.org/10.22059/jisr.2022.342010.1298>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI:<https://doi.org/10.22059/jisr.2022.342010.1298>

---



## موانع مشارکت در تحقق حکمرانی خوب شهری با تأکید بر بخش مدنی

### (مورد مطالعه: شهر یزد)

محمد مبارکی<sup>۱</sup> | فاطمه تیموری<sup>۲</sup>۱. نویسنده مسئول، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. رایانامه: [mobaraki\\_md@yazd.ac.ir](mailto:mobaraki_md@yazd.ac.ir)۲. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. رایانامه: [f.teymuori@yahoo.com](mailto:f.teymuori@yahoo.com)

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	مشارکت اجتماعی به‌عنوان متغیری مهم، فرایندی مبتنی بر خرد جمعی و رفتاری آگاهانه و داوطلبانه است که شرکت همه افراد ذی‌نفع را در همه ابعاد برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، مدیریت، اجرا، ارزیابی و کنترل، تقسیم منافع و سود برای رسیدن به هدف دربرمی‌گیرد که باید برای رسیدن به حکمرانی خوب به آن توجه کرد. در این پژوهش، به دنبال شناسایی موانع مشارکت در تحقق حکمرانی خوب شهری با تأکید بر بخش مدنی هستیم.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲	مطالعه با تأکید بر روش کیفی و از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و روی نمونه‌ای هدفمند، با ده نفر از کنشگران بخش مدنی به‌صورت فردی صورت گرفت و با روش تحلیل مضمونی بررسی شدند.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۵/۲۰	داده‌های گردآوری‌شده در قالب یک مضمون اصلی، نبود سرمایه اجتماعی و با عنوان یک مضمون نهایی با عنوان ضعف جامعه مدنی تحلیل شدند. در نتیجه تقویت بخش عمومی و افزایش سرمایه اجتماعی که بتواند تسهیل‌کننده رسیدن به حکمرانی خوب باشد، احساس می‌شود. به‌طور کلی براساس یافته‌های تحقیق، مشارکت مدنی در شهر یزد کم است و ضعف جامعه مدنی احساس می‌شود.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۲۳	تحقق حکمرانی خوب مستلزم وجود یک جامعه مدنی است که استوار بر مشارکت مدنی باشد. در همین راستا، دولت باید در سیاست‌گذاری‌های متمرکز بازنگری کند و با دادن اختیار بیشتری به جوامع محلی، زمینه مشارکت بیشتر مردم و مقامات محلی در فعالیت‌ها و امور را فراهم سازد.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱/۲۲	کلید واژه‌ها: اعتماد اجتماعی، بخش مدنی، حکمرانی خوب، سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی.

**استناد:** مبارکی، محمد و تیموری، فاطمه (۱۴۰۲)، موانع مشارکت در تحقق حکمرانی خوب با تأکید بر بخش مدنی (مطالعه موردی: شهر یزد). فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۲(۱): ۱۲۹-۱۵۰. <https://doi.org/10.22059/jisr.2022.342010.1298>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2022.342010.1298>

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

مسائلی مانند رشد روزافزون جمعیت شهری، شهری شدن جوامع، جهانی شدن و ضرورت پاسخگویی و شهروندمداری، مدیران و تصمیم‌گیران را به سوی بهره‌گیری از روش‌های مطلوب در زمینه مدیریت شهری سوق داده است. یکی از روش‌های مطرح در این زمینه، حکمرانی خوب شهری است. بر پایه اصول و اهداف حاکم بر حکمرانی خوب شهری، دولت‌ها به تنهایی قادر به پاسخگویی نیازهای جدید نیستند و ضروری است با افزایش انعطاف و جذب نیروهای فعال در نهادهای عمومی و مشارکت دادن شهروندان در مراحل تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری به‌عنوان ذی‌نفعان اصلی، توان پاسخگویی به نیازهای جدید را افزایش دهند. به‌طور کلی این الگوی جدید با بهره‌گیری از ظرفیت‌های جامعه در بخش‌های دولتی، خصوصی، مدنی و نیز با تقویت توان سازمانی، ارائه خدمات مطلوب را محقق خواهد کرد. این نوع حکمرانی با شاخص‌هایی مانند مشارکت، قانونمندی، شفافیت، پاسخگویی، جهت‌گیری توافقی، عدالت، اثربخشی و کارایی و مسئولیت‌پذیری شناخته می‌شود (ملکی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲). برای بهبود کیفیت زندگی شهری و رسیدن به توسعه پایدار شهری، الگوی حکمرانی خوب شهری مطرح می‌شود که بر مبنای آن می‌توان مشارکت‌پذیری، امنیت، عدالت و... را با پیشرفت و رفاه، هم‌زمان محقق ساخت. در ادامه، تعریف حکمرانی خوب شهری و اهداف آن مورد بحث قرار می‌گیرد.

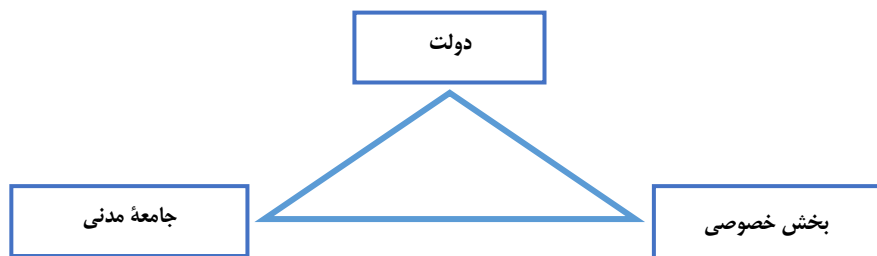
حکمرانی خوب شهری در واقع اصطلاحی است که در ذیل عنوان کلی حکمرانی خوب و با همان ویژگی‌ها و شاخص‌ها، البته در سطح شهری قابل بررسی و اطلاق است. حکمرانی خوب شهری بر مبنای حکمرانی مشارکتی در صدد پاسخگویی به نیازهای متنوع و روبه‌رشد جامعه شهری است. دولت‌هایی که در قبال شهروندان خود پاسخگو نیستند و دیوان‌سالاری ناکارآمد و نهادهای ضعیف دارند، قادر به اجرای سیاست‌های حامی رشد و رفاه فقر نیستند.

حکمرانی شهری نوعی فرایند و ارتباط میان حکومت شهری و شهروندان است. حکمرانی شهری هم حکومت شهری و هم جامعه مدنی را دربرمی‌گیرد. تحقق حکمرانی شهری مستلزم کنش متقابل بین نهادهای رسمی و دولتی و نهادهای جامعه مدنی است و بر حقانیت و تقویت عرصه عمومی تأکید می‌کند و به دلیل شرکت نهادهای گوناگون جامعه مدنی در مدیریت و اداره شهر می‌تواند به سازگاری منافع و رفع تعارض‌ها منجر شود (برک‌پور، ۱۳۸۱: ۴۵).

درواقع می‌توان گفت الگوهای مشارکت‌جویانه، اجماع‌محور و شهروندمدار، در قالب رویکرد حکمرانی خوب شهری باید مورد توجه قرار گیرد. شهروندان به‌عنوان عامل انسانی باید حضوری فعال در تحقق آرمان‌های شهری خود داشته باشند.

در همین راستا حکمرانی شهری یعنی اثرگذاری همه ارکان اثرگذار شهری بر مدیریت شهر با تمام سازوکارهایی که به سوی تعالی شهر و شهروندی حرکت کند؛ نه اینکه عرصه‌های عمومی و خصوصی کنار گذاشته شوند و فقط عرصه حکومتی اختیاردار آن دو باشد. منشأ قدرت و مشروعیت در حکمرانی شهری، تمام شهروندان و حضور آن‌ها در همه صحنه‌ها و ارکان جامعه مدنی است (غفاری نسب، ۱۳۷۸: ۴۵۹).

حکمرانی یا حاکمیت شهری به‌عنوان فرایندی مشارکتی تعریف می‌شود که به‌موجب آن، همه ذی‌نفعان شامل حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی تمهیداتی برای مشکلات شهری فراهم می‌کنند که نتیجه آن، رفع هرگونه ناپایداری از نهادهای مدیریتی و شهری است. حکمرانی خوب شهری براساس کنش متقابل میان سازمان‌ها، نهادهای رسمی و غیردولتی و تشکل‌های مدنی شکل گرفته است.



شکل ۱. مثلث حکمرانی خوب شهری

منبع: نوبری و رحیمی، ۱۳۸۹: ۷

از سوی دیگر، سازمان ملل حکمرانی خوب شهری را مشارکت همه شهروندان در همه امور و تصمیم‌گیری‌ها می‌داند که علاوه بر دولت، شامل جامعه مدنی و بخش خصوصی نیز می‌شود (موحد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۳). در باب مشارکت که مهم‌ترین متغیر پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد باید اشاره کرد که میزان مشارکت مردم در امور جامعه، یکی از کلیدی‌ترین پایه‌های حکمرانی خوب به‌شمار می‌رود. مشارکت می‌تواند به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم (از طریق نهادهای قانونی) صورت گیرد (امینی، ۱۳۹۰: ۸۹). به اعتقاد جامعه‌شناسانی که از دیدگاه ساختی-کارکردی، تاریخ اجتماعی ایران را بررسی می‌کنند، جامعه ایران بنا به دلایل خاص جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی دارای ساختاری است که کارکردهای آن را می‌توان در عدم شکل‌گیری طبقات اجتماعی، وابستگی گروه‌های اجتماعی به دولت و عدم تثبیت منابع طبقاتی خلاصه کرد. در جامعه ایران، نه تنها مشارکت مدنی از سوی یک فلسفه سیاسی حمایت نمی‌شود، بلکه به دلیل احساس نیاز عمومی، فرهنگ مشارکت نهادینه نشده است (مهاجر، ۱۳۸۲: ۱۹۸). در واقع مشارکت عمومی و خصوصی کلید موفقیت حکمرانی خوب است (راسین، ۲۰۱۹: ۲۲۵). در ادامه به موانع تحقق حکمرانی خوب شهری پرداخته می‌شود.

عناصر و ارکان اصلی جامعه ما (ساختار جغرافیایی و محیط‌زیست، ساختار جمعیتی، ساختار اقتصادی، ساختار فرهنگی و ساختار سیاسی) به‌خاطر ناهمگونی ساختاری آن‌ها زمینه‌های نامطلوبی برای تحول، توسعه و تکامل اجتماعی ایجاد کرده است. این واقعیت زمینه مناسبی برای شکل‌گیری روابط اجتماعی عادلانه، تقسیم‌کار اجتماعی عادلانه، توزیع امکانات و امتیازات اجتماعی بر پایه ضوابط و قوانین مدون و انسانی فراهم نکرده است؛ بنابراین، شکاف ایجادشده بین مدیریت جامعه و گروه‌های اجتماعی فرهنگی، از سده‌های گذشته تاکنون پابرجا مانده است. با این روند، مدیران جامعه به‌سوی حکومت فردی، تصمیم‌گیری‌های یک‌سویه و کم‌توجهی به خواسته‌های گروه‌های اجتماعی پیش‌رفته‌اند و به‌جای مشارکت اجتماعی، همیاری و همکاری با مدیریت، راه سکوت، بی‌اعتنایی و دهن‌کجی را در پیش گرفته‌اند. در واقع روند تحولات اجتماعی در ایران تا دهه‌های اخیر بر این منوال پیش‌رفته و زمینه برای قانونمند کردن پندارها، گفتارها و کردارهای طرفین در جامعه فراهم نشده است؛ بنابراین حرکت به‌سوی جامعه مدنی نیز به‌کندی پیش‌رفته است (سیف‌اللهی، ۱۳۸۶: ۱۶۶-۱۶۸).

پتسی هیلی<sup>۲</sup> در بازنگری نهادی چالش‌های شهری معاصر بیان می‌کند که امروزه دیگر مدیریت شهری را نمی‌توان به شکل مدلی از حکمرانی بالا به پایین، دستوری و کنترلی قلمداد کرد. حکومت‌های شهری دیگر مثل گذشته نمی‌توانند همان شیوه تفکر پیشین یا کنترل رویدادها را ادامه دهند. تغییرات عمده‌ای از جمله جهانی‌شدن اقتصادی، رقابت‌های بین‌شهری و ظهور بخش‌های اقتصادی

1. Rathin

2. Patsi Healy

جهان گستره و نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و... روی داده است که شهرها را به مقابله با مدیریت شهری واداشته و راه را برای ظهور حکمرانی شهری هموار ساخته است (برک‌پور و اسدی، ۱۳۸۸: ۱۸۵). حکمرانی خوب شهری نقطه‌ای ایدئال است که تحقق آن بسیار دشوار به نظر می‌رسد و تاکنون جوامع اندکی به معیارهای آن نزدیک شده‌اند. باین‌حال حرکت به سمت معیارهای حکمرانی خوب با هدف تضمین پایداری توسعه انسانی به‌عنوان یک الزام باید مورد توجه قرار گیرد (موحد و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۵).

با توجه به مسائل بیان‌شده در بیان مسئله، اصلاح و بازنگری در نظام مدیریت شهری به‌طور جد باید مورد تأکید افراد ذی‌ربط قرار گیرد. ضرورت و توجه به حکمرانی خوب شهری را باید بخش مهمی از تحولات نظام اقتصاد جهانی تلقی کرد؛ چرا که این امر مهم سبب تغییر و تحول در مبحث مدیریت شهری در جهان شده است (قرلسفلی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۳۲).

آمارهای بین‌المللی نیز بیانگر آن است که از اوایل هزاره جدید، نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند. این رشد شتابان، توسعه شتابان را در پی دارد و دولت‌ها را برای اداره شهرها با چالش‌های فراوانی روبه‌رو کرده است؛ به‌طوری‌که امروزه مدیریت کارآمد، از مهم‌ترین مسائل کشورهای جهان شده است. جامعه ایران نیز از این امر مستثنا نیست. ایران در گذار از سنت به مدرنیسم قرار دارد و حدود ۷۰ درصد جمعیت کشور در شهرها ساکن هستند و این شرایط موجب شده است که جمعیت شهرنشین، توقعات جدیدی از دولت داشته باشد. از این‌رو اداره جامعه شهری با ابزارها و شیوه‌های سنتی امکان‌پذیر نیست. حکمرانی خوب شهری یکی از شیوه‌های نوین مدیریتی است. به‌کارگیری رویکرد حکمرانی خوب و متناسب با بافت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه، گامی مهم در جهت رسیدن به توسعه پایدار است. برای رسیدن به توسعه منطقه‌ای و شهری باید نهادهای محلی و مردمی را مشارکت داد و این امر مستلزم به‌کارگیری شیوه‌های نوین مدیریتی از جمله حکمرانی خوب شهری است؛ بنابراین ضرورت دارد به این مهم توجه شود تا شاهد پیشرفت جامعه شهری باشیم.

نهادهای مربوط در مقوله حکمرانی باید در پی فراهم‌آوردن محیطی باشند که در آن، امکان مشارکت، توافق و برقراری انواع روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به‌طور آزادانه برای تمامی شهروندان فراهم شود. مرور پژوهش‌های مرتبط با آسیب‌شناسی تحقق حکمرانی خوب شهری، نشان‌دهنده خلأ مطالعاتی در این زمینه است؛ زیرا مقیاس جغرافیایی بیشتر پژوهش‌ها در سطح کلان و ملی است و در سطح شهری نیز بیشتر به کلان‌شهرها توجه شده است. حال آنکه نقطه تمرکز این پژوهش، روی شهر تقریباً میانی یزد است که از مشکلات حوزه شهری فارغ نیست. بافت تاریخی شهر یزد در سال ۱۳۹۶ ثبت جهانی شد و این امر خود موجب مطرح‌شدن شهر یزد و افزایش تعاملات بین‌شهری و بین‌المللی شد، اما بحث حکمرانی خوب شهری در این شهر با چالش‌های فراوانی روبه‌رو است و ضرورت دارد پژوهشی صورت گیرد تا موانع و چالش‌های عدم تحقق حکمرانی خوب بررسی شود.

از جمله شاخص‌هایی که در شهر یزد با چالش جدی مواجه است، مشارکت، پاسخگویی و تمرکزگرایی و ضعف جامعه مدنی است. به این معنی که نهادهای شهری نقش کمتری در تصمیم‌گیری‌های شهری دارند و بیشتر، نهادهای مرکزی عهده‌دار تصمیمات مهم شهری هستند. اختیارات به نهادهای شهری واگذار نمی‌شود و همین مسئله مانع دستیابی به حکمرانی خوب است. نبود رسانه‌ها و مطبوعات فعال نیز مانعی برای پیگیری مطالبات شهروندان است و شاخص پاسخگویی و شفافیت به‌طور کامل محقق نشده است. مسائل و مشکلات شهری در سال‌های اخیر در شهر یزد شدت فراوانی گرفته است. شهر یزد با مشکلات ساختاری و کارکردی عدیده‌ای، هم در سطح کالبدی فضایی و هم در سطح مدیریت شهری روبه‌رو است که نیاز به آسیب‌شناسی و تحول در الگوی اداره امور این شهر را ضروری می‌سازد. وجود مخاطرات محیطی از جمله خشکسالی و کمبود آب، نبود رویکرد و چشم‌انداز مشخص برای آینده شهر، توان مالی و فنی اندک برای غلبه بر مشکلات، وجود مناطق حاشیه‌نشین و آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی مرتبط با آن، وجود بافت‌های فرسوده و ساختمان‌های مخروبه، مشارکت پایین شهروندان در مدیریت شهری و... نشان‌دهنده عدم تحقق حکمرانی

خوب شهری است که برای قرارگرفتن در مسیر رشد و توسعه اجتناب‌ناپذیر است. با توجه به اینکه وضعیت حکمرانی خوب شهری بسته به زمینه فرهنگی و اجتماعی و بافت هر جامعه‌ای فرق می‌کند و نمی‌توان نسخه‌ای واحد برای همه جوامع پیچید، در این پژوهش از دید جامعه‌شناسی در شهر یزد به تحلیل این موضوع می‌پردازیم و به این سؤال پاسخ می‌دهیم که موانع مشارکت در تحقق حکمرانی خوب با تأکید بر بخش مدنی در شهر یزد کدام است.

هدف از انجام این پژوهش، شناسایی موانع مشارکت در تحقق حکمرانی خوب شهری است و به همین سبب می‌تواند مورد استفاده تمام افراد و سازمان‌هایی قرار گیرد که به هر نوع با برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و فرهنگی و توسعه‌ای در سطح شهرستان، استان و کشور مرتبط هستند. حکمرانی خوب شهری با مؤلفه‌هایی نظیر عدالت، مشارکت، قانونمندی، شفافیت و... می‌تواند آرمان‌شهر انسانی را محقق سازد. با توجه به اینکه حکمرانی خوب شهری سه بخش دولتی، خصوصی و مدنی را دربرمی‌گیرد، می‌تواند سبب بهترشدن برنامه‌ریزی‌ها در سطح کلان، میانی و خرد شود. در سطح شهری نیز مطالعه جامعه‌شناختی علل و موانع تحقق حکمرانی خوب شهری می‌تواند زمینه‌ساز برنامه‌ریزی‌های پویاتر و هدفمندتر در توسعه شهری شود.

## ۲. پیشینه پژوهش

در حوزه حکمرانی خوب، تحقیقات داخلی گسترده‌ای انجام گرفته است که تعدادی از آخرین آن‌ها عبارت‌اند از: حسینی (۱۳۹۸)، ملکی (۱۳۹۷)، صفریان و امام‌جمعه‌زاده (۱۳۹۶)، حاجی‌یوسفی و طالبی (۱۳۹۶)، پیله‌وری (۱۳۹۴)، کارگر سامانی و همکاران (۱۳۹۴)، رهنما و اسدی (۱۳۹۳)، زیاری و همکاران (۱۳۹۲)، آدینه‌وند (۱۳۹۱)، احمدی و نمکی (۱۳۹۱)، دینارفرکوش (۱۳۹۰)، قلی‌پور (۱۳۸۸) و اخوان کاظمی (۱۳۸۶).

در خارج از ایران هم مطالعات قابل توجهی صورت گرفته است؛ برای مثال، امری<sup>۱</sup> (۲۰۲۰)، راسین و همکاران (۲۰۱۹)، اونی چاکه<sup>۲</sup> (۲۰۱۶)، موتیسا و یاریم<sup>۳</sup> (۲۰۱۴)، فرانک هندریکس<sup>۴</sup> (۲۰۱۳)، راشل<sup>۵</sup> (۲۰۱۲)، میشل هاوس و جان ارلینگ کلوزن<sup>۶</sup> (۲۰۱۱)، فردریک اسکولانگ<sup>۷</sup> (۲۰۰۹)، پوپویچ<sup>۸</sup> (۲۰۰۸) و کندی استوارت<sup>۹</sup> (۲۰۰۶). مروری بر مطالعات صورت‌گرفته در مورد وضعیت حکمرانی خوب شهری نشان‌دهنده این است که اکثر مطالعات صورت‌گرفته در رابطه‌های دوسویه مؤلفه‌هایی مانند سرمایه اجتماعی، تاب‌آوری، سنجش حکمرانی، ارائه الگوی مناسب و... محدود می‌شود و کمتر پژوهشی را می‌توان یافت که به علل و موانع تحقق حکمرانی خوب شهری بپردازد. در شهر یزد نیز تاکنون پژوهشی در زمینه وضعیت حکمرانی خوب شهری صورت نگرفته است. در این پژوهش به دنبال شناسایی علل و موانع مشارکت در تحقق حکمرانی خوب در شهر یزد هستیم که این خود نقطه عطفی در پژوهش حاضر است. و از آنجا که چالش‌ها و موانع شناسایی می‌شود، می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های شهری مورد استفاده قرار گیرد.

1. Anis omria
2. Onichakwe
3. Mutisya & Yarime
4. Hendriks, Frank
5. Rachel
6. Haus, Michael, Erling Klausen, Jan
7. Skulang ferdrik
8. Popovych
9. Kendy stwart

### ۳. چارچوب مفهومی

بنا بر نظر اکثر صاحب‌نظران، حکمرانی خوب شهری یعنی اثرگذاری همهٔ ارکان تأثیرگذار شهری بر مدیریت شهر با تمام سازوکارهایی که به‌سوی تعالی شهر و شهروندان حرکت کند؛ نه اینکه عرصه‌های عمومی و خصوصی کنار گذاشته شوند و فقط عرصهٔ حکومتی اختیاردار آن دو باشد. به عبارت دیگر، منشأ قدرت و مشروعیت در حکمرانی خوب شهری، تمام شهروندان و حضور آن‌ها در همهٔ صحنه‌ها و ارکان جامعهٔ مدنی است (شهیدی، ۱۳۸۶: ۴۲).

نظریهٔ پرمسئولیت‌بودن دولت به این امر اشاره دارد که دولت‌ها به تدریج وظایف هرچه بیشتری را برعهده گرفته‌اند، از جمله مالکیت عمومی صنایع، کارهای عام‌المنفعه، حمل‌ونقل و همچنین خدمات رفاهی و اجتماعی و... مسئولیت‌هایی را کسب کرده‌اند که فراتر از توانایی مالی و اداری آن‌ها است و در بسیاری موارد دولت‌ها از عهدهٔ انجام‌دادن آن‌ها برنیامده‌اند. در نتیجه سبب ناکامی دولت‌ها و کاهش اعتماد و حمایت عمومی به آن‌ها شده است (گیدنز<sup>۱</sup>، ۱۳۷۸: ۳۵۷).

نظریهٔ دیگری که توسط متفکر اجتماعی آلمانی، یورگن هابرماس<sup>۲</sup> و دیگران بسط یافته، بحران مشروعیت دولت است. هابرماس در این نظریه می‌گوید اگرچه مداخلهٔ دولت در حیات اقتصادی و اجتماعی جامعه برای حفظ نظام آن ضروری است، در شرایط تسلط سرمایه‌داری خصوصی، وظایف دولت‌ها در عمل با انواع تعارض و ناکامی روبه‌رو است. هابرماس مشخصهٔ سرمایه‌داری مدرن را سیطرهٔ دولت بر اقتصاد و سایر عرصه‌های حیات اجتماعی می‌داند. او اعتقاد دارد اگر دولت نتواند راهبردهای مناسب را برای آشتی دادن منافع متضاد (عمومی و خصوصی) پیدا کند، مشروعیت خود را در نظر مردم از دست خواهد داد و در انجام وظایف خود شکست خواهد خورد (کرایب یان<sup>۳</sup>، ۱۳۷۸: ۳۰۶).

نظریهٔ دیگری که به نفی هرگونه قدرت متمرکز می‌پردازد، «کثرت‌گرایی سیاسی (پلورالیسم)» است که توسط رابرت دال<sup>۴</sup> ارائه شده است. در نظریهٔ پلورالیسم، وجود گروه‌های متعدد قدرت، ویژگی جامعهٔ مدرن است که هم لازمهٔ دموکراسی و آزادی است و هم شیوه‌ای واقعی و عملی برای توزیع قدرت و مدیریت هماهنگ جامعه محسوب می‌شود. دال و دیگر همفکران او براساس مطالعات موردی استدلال می‌کنند که قدرت نه‌تنها پراکنده و متفرق است، بلکه این پراکندگی برای سیاست شهری مطلوب نیز هست. آن‌ها در شناخت ساختار قدرت، روی این سؤال تأکید می‌ورزند که چه کسانی واقعاً در تصمیمات مشارکت می‌کنند و بر آن‌ها در موضوعات خاص یا بخش‌های ویژه تأثیر می‌گذارند (پرهیزکار و کاظمیان، ۱۳۸۴: ۳۴).

طبق این نظریه، بازیگرانی در شهر حضور دارند که با توجه به توان و ظرفیت خود در شهر، نقش ایفا می‌کنند (اکبری ۱۳۸۵: ۱۴۲). نظریهٔ کثرت‌گرایی، الگوی حکمرانی شهری و مدل مدیریت یکپارچهٔ شهری با اتکا بر عموم گروه‌های اجتماعی را پیشنهاد می‌کند (پرهیزکار و کاظمیان، ۱۳۸۴: ۳۶).

اقتصاددانان سیاسی کلاسیک به‌ویژه آدام اسمیت<sup>۵</sup> در خصوص نوع رابطهٔ دولت و جامعهٔ مدنی بر این باورند که دولت نه‌تنها باید از مداخله در جامعهٔ مدنی پرهیز کند، بلکه باید راهی را که جامعهٔ مدنی به آن نشان می‌دهد، طی کند. رمز پیشرفت و توسعه در جامعهٔ مدنی نهفته است، نه در دولت (حاتمی‌زاده، ۱۳۷۹: ۳۵).

1. Anthony Giddens  
2. Jurgen Habermas  
3. Craib Lan Ernest  
4. Robert A. Dahl  
5. Adam Smith

نظریه‌های کثرت‌گرایی و جامعه مدنی در تغییر نقش دولت در اداره جامعه مؤثر بوده‌اند. مباحثی از قبیل گردش قدرت میان گروه‌ها، فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری جمعی، مشارکت بخش عمومی و خصوصی در کنار بخش دولتی و مدیریت از پایین به بالا ارتباط نزدیک با جامعه مدنی و کثرت‌گرایی دارند. گیدنز معتقد است دولت و جامعه مدنی باید در مشارکت با یکدیگر عمل کنند و هرکدام کار دیگری را تسهیل سازد، ولی به‌عنوان یک عامل کنترل نسبت به دیگری عمل کند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۹۰).

برخی نظریه‌ها در زمینه اثرات تعیین‌کننده دولت در جوامع شهری به لحاظ مناسبات و وابستگی‌های اقتصادی میان دولت و شهر مطرح شده‌اند. از جمله نظریه دولت و شهرنشینی را می‌توان ذکر کرد. براساس این نظریه، در کشورهای خاورمیانه از جمله ایران، نظام سیاسی و اداری شهرها که مرکز واحدهای سیاسی-اداری خود هستند، با تشکیل سازمان‌های اجرایی نوین چه از نظر جهت‌گیری جریان سرمایه و چه از نظر منابع تأمین مالی دولت، به‌کلی دگرگون شده‌اند (رهنمایی و کشاورز، ۱۳۷۳: ۲۰).

به‌طور کلی حکومت شهری باید نسبت به روندهای تغییر در شهر پاسخگوتر باشد، اقداماتش با مسائل شهری و تحول آن‌ها متناسب‌تر باشد، نسبت به اجتماع مسئول و پاسخگوتر و به‌عنوان بخش مهمی از نظام یادگیری اجتماعی، بهتر عمل کند و درنهایت نقش مهمی در پیش‌بینی و استقبال از آینده ایفا کند.

حکمرانی خوب شهری، اهدافی مانند تأمین توسعه پایدار، عدالت اجتماعی و مدیریت مشارکتی را با تأکید بر جامعه مدنی، دموکراسی، ارزش‌های بومی و محلی و اعتقاد به خرد جمعی دنبال می‌کند. بالاترین هدف حکمرانی خوب شهری، بهبود کیفیت زندگی و ارتقای سطح خوشبختی و رضایت‌مندی شهروندان است. براساس تغییر و تحولاتی که در رویکردهای اداره شهرها و ظهور رویکردهای مشارکت و اجتماع‌محور روی داده است، می‌توان دو ویژگی عمده را برای حکمرانی خوب شهری برشمرد: ۱. تأکید بر ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی و ۲. تأکید بر مبانی توسعه پایدار شهری که روی هم ارتقای کیفیت زندگی شهری، رفاه و عدالت اجتماعی را مدنظر دارد (معصومی‌راد، ۱۳۹۱: ۶۷۸).

رابرت پاتنام<sup>۱</sup> بر این باور است که کارکرد و حکمروایی بهتر رژیم دموکراتیک، پیوندی نزدیک با محیط اجتماعی و فرهنگی دارد. وی به عامل فرهنگ سیاسی در تشکیل سرمایه اجتماعی (باورهای دموکراتیک، اخلاق مدنی، اعتماد و رفتارهای مدنی) بسیار اهمیت می‌دهد و آن را در زمینه حکمرانی خوب، تعیین‌کننده می‌داند؛ زیرا فضیلت‌های مدنی و فرهنگ سیاسی دموکراتیک، به سرمایه اجتماعی و رفتارهای مدنی می‌انجامد و در پی آن، حکومت ناگزیر از حکمرانی خوب می‌شود. پاتنام بر آن است که هرچه وابستگی هم‌زمان شهروندان به چند انجمن بیشتر باشد (یعنی شبکه‌های اجتماعی به گونه متقاطع و دارای نقاط مشترک در میان شهروندان گسترش یابد) و هرچه روابط میان افراد در شبکه‌ها نزدیک‌تر و افقی باشد نه عمودی، سرمایه اجتماعی بزرگ‌تر و مشارکت مدنی بیشتر خواهد بود و به‌دنبال آن مسئولیت‌پذیری حکومت نیز افزایش خواهد یافت؛ زیرا نمی‌تواند سرمایه اجتماعی را نادیده بگیرد و با آرامش خاطر به حکمرانی بپردازد (کلمن، ۱۳۷۷: ۱۴۱-۱۴۲). وی این سرمایه را وجهی از ساختار اجتماعی و گرایش‌های تسهیل‌کننده همکاری و هماهنگی در جهت رسیدن به منافع مشترک قلمداد می‌کند (عبداللهیان، ۱۳۹۴: ۶۱۸). مشارکت دادن شهروندان در فرایند تصمیم‌گیری به‌طور گسترده به‌عنوان پیش‌نیازی حیاتی شناخته شده است (جسیکا<sup>۲</sup>، ۲۰۲۱: ۱). دولت‌ها می‌توانند از سازوکار مشارکت‌های عمومی متعدد استفاده کنند (براود<sup>۳</sup>، ۲۰۲۲: ۱).

1. Robert Putnam  
2. Jessica  
3. Braod  
4. Ginman



گینمن<sup>۱</sup> الگویی مفهومی از سرمایه اجتماعی به دست می‌دهد. بر پایه این الگو می‌توان گفت ارتباطات افراد در درون انجمن‌ها و شبکه‌های اجتماعی، به تبادل اطلاعات، همکاری، نگرش‌های دموکراتیک و تصمیم‌گیری مشترک پدید می‌آید و برآیند آن‌ها رفتار مدنی و مشارکتی شهروندان در سطح محلی، منطقه‌ای و کشوری خواهد بود. حکومت در برابر هویت‌های مدنی در چارچوب انجمن‌ها و گروه‌های مدنی، ناگزیر از حکمرانی خوب خواهد شد. قدرت اجتماعی از هویت‌های مدنی گوناگون مایه می‌گیرد و حکومت را با چالش‌هایی روبه‌رو می‌کند (کلمن<sup>۲</sup>، ۱۳۷۷: ۱۴۱-۱۴۲).

به‌طور کلی مرور ادبیات نظری موجود حاکی از نقش پررنگ دولت و ضعف جامعه مدنی در اداره امور جامعه است. دولت وابستگی به مردم ندارد و این موجب تمامیت‌خواهی در دولت می‌شود. همان‌طور که اشاره شد، نظریه پرمسئولیت‌بودن دولت، نظریه بحران مشروعیت دولت، نظریه کثرت‌گرایی سیاسی و نظریه جامعه مدنی همگی در تمرکزگرایی بخش دولتی اجماع دارند.

در چارچوب مفهومی، رویکرد رابرت پاتنام به سرمایه اجتماعی و نظریه کثرت‌گرایی سیاسی رابرت دال در نظر گرفته شد، از نظر پاتنام، مناطقی که در آن مشارکت و سرمایه اجتماعی زیاد است، اجتماع مدنی زنده و پرشوری دارند و در چنین جامعه‌ای نظام اجتماعی، هماهنگی و همکاری را در بین افراد برای دستیابی به اهداف مشترک تسهیل می‌کند. رابرت دال نیز در نظریه کثرت‌گرایی سیاسی، وجود گروه‌های متعدد قدرت را ویژگی جامعه مدرن می‌داند که هم لازمه دموکراسی و آزادی است و هم شیوه‌ای واقعی و عملی برای توزیع قدرت و مدیریت هماهنگ جامعه محسوب می‌شود. دال معتقد است قدرت پراکنده و متفرق، برای سیاست شهری نیز مطلوب است. با بهره‌گیری از ادبیات نظری موجود، سطح مشارکت، تمرکزگرایی و نقش دولت که در سطح کلان سرمایه اجتماعی مطرح هستند، می‌توانند ما را در فهم حکمرانی خوب و موانع تحقق آن رهنمون شوند. مشارکت و سرمایه اجتماعی از عناصر قوی در تحقق حکمرانی خوب شهری می‌باشند و در این مقاله با استناد به مفاهیم نظری استخراج‌شده در پی بررسی عمیق موانع مشارکت در تحقق حکمرانی خوب شهری هستیم.

#### ۴. روش‌شناسی تحقیق

رویکرد پژوهش حاضر که در سال ۱۴۰۰ انجام شده کیفی است. تحقیق کیفی فرایندی از تحقیق است که داده‌ها را از زمینه‌ای که رویدادها در آن رخ می‌دهد، استخراج می‌کند. اتخاذ رویکرد کیفی، برای واکاوی عمیق مسئله از طریق مصاحبه است. میدان مطالعه شهر یزد است و جامعه آماری شامل ده نفر از کنشگران فعال در بخش مدنی است که ویژگی‌های کلی آن‌ها در جدول ۱ ذکر شده است. به دلیل محرمانه‌بودن اسامی مشارکت‌کنندگان، به جای نام افراد، از شماره‌گذاری استفاده شد.

جدول ۱. مشخصات دموگرافیک مصاحبه‌شوندگان

مصاحبه‌شونده	جنس	سن	تحصیلات	شغل و تخصص
۱	زن	۳۲	دکتری جامعه‌شناسی	مدیر دفتر تسهیلگری، فعال مدنی
۲	زن	۴۷	کارشناسی ارشد علوم تربیتی	مدیر دبستان، فعال مدنی
۳	زن	۳۱	لیسانس مددکاری اجتماعی	مدیر مؤسسه مردمی آشیانه باران، فعال در حوزه کودکان کار
۴	زن	۳۶	لیسانس علوم اجتماعی	مدیر مهدکودک، فعال مدنی
۵	زن	۳۹	دیپلم ریاضی	مربی قرآن، فعال مدنی

مصاحبه‌شونده	جنس	سن	تحصیلات	شغل و تخصص
۶	زن	۴۰	کارشناسی ارشد حقوق	مسئول مؤسسه مردمی بوی مهر کویر، فعال مدنی
۷	مرد	۵۵	دکترای پزشکی	پزشک عمومی، فعال مدنی
۸	مرد	۳۹	دیپلم	مدیر انجمن مردمی بچه‌های طلاق، فعال مدنی
۹	مرد	۳۵	کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری	کارشناس دفتر تسهیلگری، فعال مدنی
۱۰	مرد	۴۱	سیکل	اپراتور دستگاه، فعال مدنی

افراد از طریق نمونه‌گیری هدفمند در تحقیق مشارکت داده شدند. جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام گرفت. در کنار سایر سؤال‌هایی که اهداف اصلی تحقیق را دنبال می‌کرد، یکی از سؤال‌های مرتبط با پژوهش حاضر این بود: لطفاً برای ما دربارهٔ موانع و چالش‌های مشارکت در بخش مدنی که حکمرانی خوب با آن مواجه است بگویید. با توجه به پاسخ مشارکت‌کنندگان، محقق، خرده‌سؤال‌ها را در حین مصاحبه می‌پرسید. داده‌ها به‌منظور تحلیل روی کاغذ نوشته شدند. روش تحلیل در تحقیق حاضر به‌لحاظ ماهیت و کیفیت آن مضمونی است. تحلیل مضمون در این دسته جای می‌گیرد. از این‌رو ابزار تحقیقاتی منعطف و مفیدی است که برای تحلیل حجم زیادی از داده‌های پیچیده و مفصل می‌توان از آن استفاده کرد (براون و کلارک، ۲۰۰۶: ۷۸). تحلیل مضمون را می‌توان یکی از روش‌های بنیادین تحلیل کیفی در نظر گرفت که با سایر روش‌های تحلیل که به‌دنبال تشریح الگوهای داده‌های کیفی هستند، مانند روش تحلیل پدیدارشناسی تفسیری، نظریهٔ داده‌بنیاد، تحلیل گفتمان و تحلیل محتوا فرق دارد. به عقیدهٔ براون و کلارک (۲۰۰۶) در تحلیل مضمون، در صورتی که پژوهشگر نخواهد به نظریهٔ کامل برسد، نیاز ندارد به اصول نظریهٔ داده‌بنیاد پایبند باشد. ضمن اینکه در نظریهٔ داده‌بنیاد، تحقیق از منبع داده شروع می‌شود و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه می‌یابد، ولی در تحلیل مضمون، همهٔ منابع داده بررسی می‌شود و مضامین کل داده‌ها تحلیل و تفسیر می‌شود. به‌طور کلی تحلیل مضمون به‌دنبال استخراج مضامین و مفاهیم موجود در متن است و شبکهٔ مضامین که در پایان ساخته می‌شود، به ساختار دادن به این مضامین منجر می‌شود. هدف از تحلیل مضمون، درک و استخراج معانی ذاتی از تجارب شرکت‌کنندگان است.

داده‌ها در مصاحبهٔ ۱۰ به اشباع رسید و جمع‌آوری اطلاعات در این مرحله متوقف شد. هر مصاحبه به‌طور متوسط بین ۴۰ تا ۵۰ دقیقه به طول انجامید. در همهٔ مراحل انجام مطالعه، مواردی مانند رضایت آگاهانه، محرمانه‌بودن اطلاعات و حق خروج از مطالعه در زمان دلخواه رعایت شد. پس از انجام مصاحبه، بلافاصله محتوای آن مکتوب و تحلیل آغاز شد. ابتدا متن هر مصاحبه به‌طور کامل خوانده و کلیهٔ واحدهای معنادار (درون‌مایه‌ها) از آن استخراج شد و به‌صورت مجزا برای هر مشارکت‌کننده نوشته و کدگذاری شد. در مرحلهٔ دوم، مضامینی که می‌توانست معرف بخش‌هایی از متن باشد تعیین و ثبت شدند. به این ترتیب، عمل فهرست‌کردن و خوشه‌بندی مقوله‌ها (مضمون‌های اصلی و فرعی) صورت گرفت و برای هر یک از مصاحبه‌ها یک جدول خلاصه‌شده تشکیل یافت. در مرحلهٔ سوم، یعنی گروه‌بندی کدهای مشابه، ابتدا هر یک از مصاحبه‌ها با دقت بازخوانی شدند و مضامین و برداشت مشترک در گوشه‌ای از متن نگاشته شد. این مضامین شامل برخی مفاهیم، تداعی‌ها و... بود که به ذهن محقق خطور می‌کرد و می‌توانست در مراحل بعدی استفاده شود. در مرحلهٔ چهارم، برای تلفیق موردها و مضامین، همهٔ جداول کنار هم قرار گرفتند و از طریق غوطه‌وری در داده‌ها، مقایسهٔ مداوم و شناسایی مشابهت‌ها، مضمون‌های اصلی و فرعی به همراه کدهای استخراج‌شده در یک جدول گنجانده شدند. داده‌های این جدول مبنای گزارش یافته‌های پژوهشی شد و در آخر، توصیفی جامع از مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان ارائه شد.

به منظور اعتبار تحقیق حاضر، به سه موضوع زیر در فرایند تحقیق توجه صورت گرفت که عبارت‌اند از:

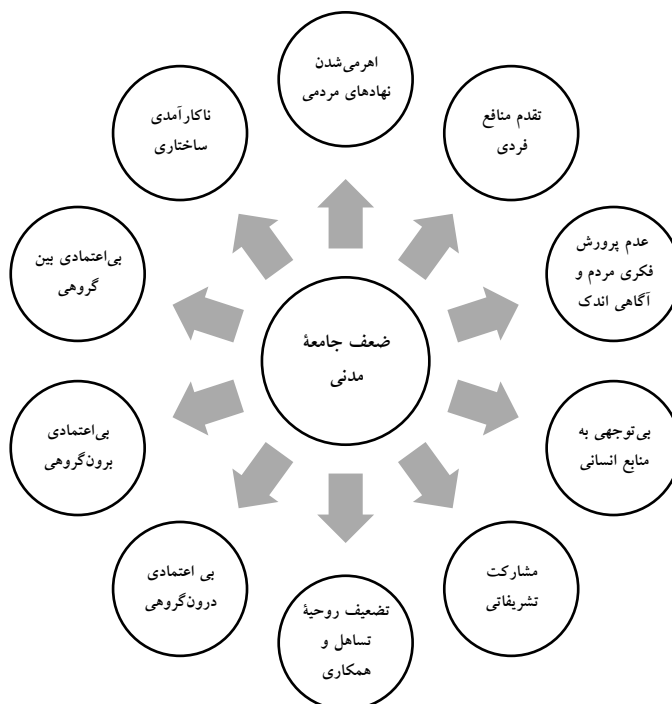
**اعتبارپذیری:** انجام دقیق مراحل تحقیق و ارائه دقیق نتایج بدون سوگیری؛ تلاش شد یافته‌های تحقیق و مضامین استخراج‌شده براساس محتوای گفته‌های مشارکت‌کنندگان باشد؛ علاوه بر این، برای محافظت در برابر تفسیر نادرست و جعل داده‌ها، از یک داور نظاره‌گر خواستیم تا به طور عینی به داده‌ها نگاه کند و کدهای اختصاص یافته به داده‌ها را ارزیابی کند؛

**قابلیت انتقال:** امکان استفاده دیگر پژوهشگران از نتایج تحقیق؛ مضامین به گونه‌ای مطرح شد که سایر مخاطبان نیز معنای مشابهی در این زمینه استنباط کنند. در این زمینه از تأیید اعضای گروه مشارکت‌کننده استفاده کردیم؛

**قابلیت اطمینان:** انجام دادن دقیق مرحله به مرحله پژوهش از ابتدا تا انتهای پژوهش.

## ۵. یافته‌های تحقیق

از تحلیل داده‌ها، ده مفهوم فرعی استخراج شدند: ۱. اهرمی شدن نهادهای مردمی؛ ۲. تقدم منافع فردی؛ ۳. عدم پرورش فکری مردم و آگاهی اندک؛ ۴. بی‌توجهی به منابع انسانی؛ ۵. مشارکت تشریفاتی؛ ۶. تضعیف روحیه تساهل و همکاری؛ ۷. بی‌اعتمادی درون گروهی؛ ۸. بی‌اعتمادی برون گروهی؛ ۹. بی‌اعتمادی بین گروهی و ۱۰. ناکارآمدی ساختاری. این مضامین، زیر یک مقوله اصلی با عنوان فقدان سرمایه اجتماعی در بخش مدنی و یک مضمون نهایی با عنوان ضعف جامعه مدنی مطرح شد. شکل ۲ شبکه مضامین پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل ۲. شبکه مضامین موانع مشارکت در تحقق حکمرانی خوب

## جدول ۲. مقوله‌ها و مفاهیم موانع مشارکت در تحقق حکمرانی خوب شهری با تأکید بر بخش مدنی

مضمون	مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی	مفاهیم بیان شده
ضعف جامعه مدنی	نبود سرمایه اجتماعی	اهرمی شدن نهادهای مردمی	تشکل‌های مردمی که باید زمینه مشارکت را تسهیل کنند، به ابزاری در دست حکومت تبدیل شده‌اند.
		تقدم منافع فردی	مشارکت منفعتمطلبانه رواج پیدا کرده است و افراد تا جایی دوست دارند مشارکت کنند که منافعی تأمین شود.
		عدم پرورش فکری مردم و سطح پایین آگاهی	خود مردم مشکل دارند؛ چون برای پذیرش مشارکت آماده نیستند و هیچ آموزشی هم در این زمینه ندیده‌اند.
		بی‌توجهی به منابع انسانی	در برنامه‌های توسعه اصلاً به منابع انسانی و تشکل‌های مدنی توجه نمی‌شود و می‌توانیم بگوییم حلقه گمشده پیشرفت جامعه، توسعه انسانی و مشارکت است.
		مشارکت تشریفاتی	من خود نماینده یک سمن هستم و تجربه زیادی دارم از اینکه دستگاه‌های دولتی حاضر به همکاری با ما نیستند و ما صرفاً ویتترین عکاسی شده‌ایم.
		تضعیف روحیه تساهل و همکاری	مدارای اجتماعی خیلی کم شده است. هر جناحی دوست دارد حق به جانب صحبت کند و این سبب می‌شود روحیه تعامل و همکاری از بین برود.
		بی‌اعتمادی درون گروهی	نمایندگان تشکل‌ها بیشتر به منافع خودشان فکر می‌کنند و اهداف فرعی را جانشین اهداف اصلی می‌کنند.
		بی‌اعتمادی برون گروهی	مشارکت و جمع‌گرایی به امری تشریفاتی و ویتترینی تبدیل شده است.
		بی‌اعتمادی بین گروهی	متأسفانه موارد زیادی از رقابت‌های ناسالم و کاذب در بین تشکل‌ها وجود دارد که همه‌اش به بازی‌های جناحی برمی‌گردد.
ناکارآمدی ساختاری	یکی از موانع رسیدن به حکمرانی خوب، بزرگ‌بودن دولت است. باید کوچک‌سازی دولت صورت گیرد و خیلی از مسئولیت‌ها و کارها به بخش عمومی و مدنی واگذار شود.		

## ۵-۱. موانع تحقق حکمرانی خوب در بخش مدنی

**اهرمی شدن نهادهای مردمی:** تشکل‌های مدنی یکی از ارکان مهم توسعه جوامع هستند؛ چرا که از دل مردم شکل می‌گیرند و صدای مردم هستند. تحقق حکمرانی خوب بدون مشارکت تشکل‌ها امکان‌پذیر نیست؛ اما متأسفانه امروزه شاهد کم‌رنگ شدن نقش تشکل‌های مردمی هستیم و این نهادها به‌عنوان ابزاری در دست حکومت قرار گرفته‌اند. اهرمی شدن و نگاه ابزاری به تشکل‌ها در درازمدت سبب شکاف بین مردم و دولت می‌شود و هرچه این فاصله بیشتر شود، از شاخص‌های حکمرانی خوب فاصله گرفته می‌شود. به اعتقاد مشارکت‌کننده ۱ که در حوزه مدنی فعال است «تشکل‌ها و انجمن‌های صنفی جزئی از جامعه هستند، اما به‌خاطر ترویج روحیه مشارکت‌گریزی نتوانسته‌اند کارکرد اصلی خود را به نمایش بگذارند.»

جامعه مدنی به‌عنوان عنصری قوی و نهادی در تحقق مشارکت اجتماعی دارای اهمیت فراوان است. درواقع می‌توان گفت بار اصلی مدیریت و سازمان‌دهی مشارکت، بر دوش جامعه مدنی است.

پاسخگوی ۳ نیز در این زمینه می‌گوید: «نهادهای مردمی علی‌رغم اینکه باید مشارکت پویا و فعال داشته باشند، مشارکتی منفعلانه دارند و به ابزار و اهرمی در دست حکومت تبدیل شده‌اند. همین مسئله بین مردم و جامعه فاصله انداخته است.»

**تقدم منافع فردی:** ترجیح منافع جمعی بر منافع فردی یکی از لوازم اساسی برای توسعه و پیشرفت است و در اجرای حکمرانی خوب باید سازوکارهای لازم برای نهادینه کردن تقدم منافع جمعی بر منافع فردی لحاظ شود. کنکاش‌های تاریخی حاکی از آن است که جامعه ایران قرن‌ها گرفتار حکومت‌های استبدادی و بدون پشتوانه مردمی بوده است و این مسئله سبب شده است که منافع ملی و

جمعی جایگاه کوچکی بیاید. منطق فعالیت در حوزه عمومی اقتضا می‌کند که تشکلهای مدنی منافع فردی خود را به شکلی تعریف کنند که در راستای منافع عمومی باشد. از نگاه پاسخگوی ۸ «دیگر برای کسی مصالح عمومی مهم نیست و همه به فکر منافع خودشان هستند که در خطر نیفتد.»

داشتن روحیه جمعی و اخلاق مدنی، از موارد اساسی تحقق حکمرانی خوب است؛ چرا که موجب افزایش همبستگی اجتماعی و حفظ کرامت انسانی افراد می‌شود. پاسخگوی ۷ که پزشکی در محله محروم و فعال مدنی است می‌گوید: «گر من به فکر محله و شهر خود نباشم، پس نباید اسم خودم را شهروند اجتماعی بگذارم. مسئولان هم اول باید به فکر منافع مردم باشند بعد خودشان.»

**عدم پرورش فکری مردم و آگاهی اندک:** بسیاری از تحلیلگران فرهنگ سیاسی ایران، به این امر واقف هستند که ایرانی‌ها دارای روحیه فردگرایی هستند و مایل‌اند کارها را خودشان انجام دهند و کمتر به مشارکت با دیگران روی می‌آورند. ضعف مشارکت در ابعاد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را نیز می‌توان در همین چارچوب تحلیل کرد و این همان غلبه روحیه فردگرایی بر افراد است. در همین راستا می‌توان گفت جمع‌گرایی و مشارکت صرفاً به امری تشریفاتی و ویتربینی تبدیل شده است. پاسخگوی ۲ که هم‌زمان با فعالیت در حوزه آموزش، فعال مدنی نیز هست توضیح می‌دهد: «در تحقق مشارکت، ما با ضعف فرهنگی مواجه هستیم و خیلی از مردم به آگاهی جمعی نرسیده‌اند.»

جامعه‌پذیری مردم نقش مهمی در تحقق مشارکت دارد. زمانی که با ضعف پرورش فکری افراد و تربیت خانوادگی مواجه باشیم، شاهد مشارکت همه‌جانبه نخواهیم بود. باید زمینه‌ها و بسترهای لازم برای آگاهی‌بخشی به مردم و برجسته‌کردن نقش مشارکت در تحقق حکمرانی خوب و پیشرفت جامعه از همان سنین ابتدایی به مردم آموزش داده شود. در این راستا خود مردم نیز باید روحیه جمعی و همکاری را در خود تقویت کنند.

مشارکت‌کننده ۴ نیز معتقد است: «ضعف مشارکت افراد و مدیران در فعالیت مدنی و اجتماعی ناشی از خودشان است؛ چرا که اساساً برای مشارکت‌پذیری تعلیم ندیده‌اند و نتیجه این ناآگاهی در رفتارهای مدیران و خود مردم نمود پیدا می‌کند.»

**بی‌توجهی به منابع انسانی:** یکی از پیش‌نیازهای تحقق حکمرانی خوب، توجه به منابع انسانی و ارتباط شهروندان با حکومت است، اما در نتیجه حاکمیت استبدادی و نیز روحیه مشارکت‌گریزی، نهادهای مدنی نتوانسته‌اند کارکرد واقعی خود را در جذب و هدایت مردم ایفا کنند و در این بین منابع انسانی به‌عنوان عنصر و حلقه‌ای گمشده به مسیر خود ادامه می‌دهد؛ تا حدی که به بیان یکی از پاسخگویان «نهادهای دولتی هیچ همکاری با ما نمی‌کنند و به سازمان‌های مردم‌نهاد که واسطه مردم و دولت هستند توجهی نمی‌شود.»

جامعه با داشتن منابع انسانی پویا و خلاق می‌تواند به حیات خود ادامه دهد و در مسیر توسعه گام بردارد. پاسخگوی ۶ که مسئول یک سازمان مردم‌نهاد است معتقد است: «ما مردم هستیم که به حکومت و دولت اعتبار می‌دهیم، اما در مقام عمل اصلاً مردم و نهادهای مدنی در نظر گرفته نمی‌شوند.»

**مشارکت تشریفاتی:** راهبرد مشارکت باید به‌عنوان برنامه‌ای راهبردی مورد توجه قرار گیرد. باید نقش اصلی دولت را که تسهیلگری است به آن بازگردانیم و کار را تا آنجا که ممکن است به مردم و کنشگران مدنی بسپاریم. باید دولت برای واگذاری کارها به مردم اقدام کند. درحقیقت حکمرانی خوب به معنای دادن کارها به مردم است، اما امروزه به بیان پاسخگوی ۱: «مشارکت صرفاً امری تشریفاتی شده است و مسئولان فقط برای عکاسی به انجمن‌های مدنی مراجعه می‌کنند.»

باید بین حاکمیت و مردم تعادل به وجود آید و بخشی از فعالیت‌های دولت به بخش مدنی واگذار شود. از نگاه پاسخگویی ۱۰: «باید از طریق تقویت تعادل بین بخش عمومی و دولتی، فاصله این دو را کم کرد و مشارکت را به‌عنوان اصلی مهم و نه صرفاً تشریفاتی نهادینه کرد.»

**تضعیف روحیه تساهل و همکاری:** با ضعف مشارکت مدنی شاهد تضعیف روحیه جمعی و مدارای اجتماعی در جامعه هستیم؛ جامعه‌ای که در آن، افراد با مفهوم همبستگی اجتماعی و فرهنگ مدنی بیگانه‌اند. برای جلوگیری از بروز این مشکل باید سازوکارهای لازم برای مشارکت و همکاری بین آحاد جامعه و دولت فراهم شود تا شاهد شکل‌گیری روحیه جمعی، تساهل و همکاری در جامعه باشیم.

به اعتقاد پاسخگویی ۱: «مدارای اجتماعی خیلی کم شده. هر جناحی دوست دارد حق به‌جانب صحبت کند و این باعث می‌شود روحیه تعامل و همکاری از بین برود.»

از دیدگاه پاسخگویی ۳: «همه افراد با هم بیگانه شده‌اند و همه‌اش به‌خاطر ضعف مشارکت است. انگار همه فقط فکر منافع خودشان هستند و هیچ روحیه همکاری و تساهلی وجود ندارد.»

**بی‌اعتمادی درون گروهی:** بحران بی‌اعتمادی در انجمن‌های مدنی دارای سابقه تاریخی است. بی‌اعتمادی به سلامت اخلاقی رهبران این تشکل‌ها و تردید در انگیزه‌های عمومی و خیرخواهانه فعالان این تشکل‌ها سبب شده تا بخش وسیعی از جامعه مخاطب این تشکل‌های مدنی، انگیزه کافی برای حضور و فعالیت در تشکل‌های مدنی را نداشته باشد. این امر به کوچک شدن و محفلی شدن این تشکل‌ها منجر شده و امکان‌های اندکی برای ارتقا از گروه به شبکه را برای آن‌ها فراهم ساخته است. با وجود این، دسته‌ای از مخاطبان تشکل‌های مدنی (که خواسته‌های یک انجمن را خواسته‌های خود می‌دانند)، با حضور و فعالیت در این تشکل‌ها درصد تحقق اهداف آن برمی‌آیند. تجربه نشان داده است که با گذشت زمانی از فعالیت برخی از این تشکل‌ها، بخشی از این افراد، از کارایی و اثربخشی این تشکل‌ها و کارآمدی شیوه رهبران آن ناامید و از آن‌ها جدا می‌شوند. در این مرحله نیز تشکل‌های مدنی به‌صورت محفلی‌تر ادامه می‌یابند یا در صورت خارج شدن اکثریت افراد آن، منحل می‌شوند. از نظر پاسخگویی ۵ که فعال در بخش مدنی است «مایندها تشکل‌ها بیشتر به منافع خودشان فکر می‌کنند و اهداف فرعی را جایگزین اهداف اصلی می‌کنند». از نظر پاسخگویی ۹ «ثربخشی تشکل‌ها فقط در ابتدا خیلی پررنگ است. به تدریج کم‌رنگ می‌شود و مردم هم ناامید می‌شوند.»

**بی‌اعتمادی برون گروهی:** روشن است که این تشکل‌های مدنی نیز می‌توانند مانند همه افراد جامعه درصد تحقق منافع فردی خود باشند. با این حال، منطق فعالیت در حوزه عمومی اقتضا می‌کند که آن‌ها منافع فردی خود را به شکلی تعریف کنند که در راستای منافع عمومی باشد. تجربه نشان داده است انگیزه اصلی دسته‌ای از افراد از حضور در تشکل‌های مدنی این است که بتوانند با نهادهای حکومتی ارتباط بگیرند و مسائل شخصی خود را حل کنند. این امر موجب بروز بی‌اعتمادی در میان مدیران دولتی به تشکل‌های مدنی می‌شود. از نظر پاسخگویان ۵ و ۱ که فعال در بخش مدنی هستند: «متأسفانه افراد اهداف خودشان را در اولویت می‌گذارند و بودجه‌ای دریافت می‌کنند که برای مصارف شخصی خودشان خرج می‌کنند» و «به اسم منافع عمومی جلسه می‌گیرند، اما در پشت‌صحنه کار خودشان را می‌کنند و این باعث شده که سطح رضایت پایین بیاید.»

**بی‌اعتمادی بین گروهی:** علی‌رغم چالش‌های پیش‌گفته، دسته‌ای از تشکل‌های مدنی می‌توانند به اهداف مدنظر دست پیدا کنند و خواسته‌های جمعی‌شان محقق شود. در این مورد، رابطه و دیدگاه سایر تشکل‌های مدنی فعال در جامعه مدنی با این تشکل‌های مدنی می‌تواند بر عملکرد کلی تشکل‌های مدنی در کشور تأثیر بگذارد. فارغ از برخی ویژگی‌های فرهنگی و فردی مانند

تنگ‌نظری و حسادت، با موفقیت برخی از تشکلهای مدنی، منافع افراد یا برخی از دیگر تشکلهای مدنی، در این مرحله محتمل است که برخی از تشکلهای کمتر موفق، به جای تمرکز بر تحقق اهداف عمومی خود، هدف اصلی خود را تلاش برای ناکام کردن تشکلهای موفق تعریف کنند. در این صورت و با شکل گرفتن بازی خودتخریبی توسط تشکلهای جامعه مدنی، عملکرد کلی تشکلهای مدنی در کشور تضعیف خواهد شد. از نظر پاسخگوی ۲ «رقابت‌ها قطبی شده و هر تشکلی در پی این است که فقط خودش پیروز میدان شود». همچنین به بیان پاسخگوی ۷: «متأسفانه موارد زیادی از رقابت‌های ناسالم و کاذب در بین تشکلهای وجود دارد که همه‌اش به بازی‌های جناحی برمی‌گردد.»

**ناکارآمدی ساختاری:** برخی موانع مشارکت به ساختارهای موجود در جامعه مربوط می‌شود. درحالی‌که ساختارها باید تسهیل‌کننده مشارکت باشند، نه اینکه در مقابل مشارکت قرار گیرند. برخی از موانع ساختاری مشارکت به قانون مربوط می‌شود. قانون در فراهم کردن سازوکارها و زمینه‌های مشارکت موفق عمل نکرده است. ساختارهای کشور ما همیشه مشارکت‌گریز بوده‌اند. قوانین متناسبی که بتوانند از یک سو موانع مشارکت مردم را برطرف کنند و از سوی دیگر، زمینه‌ساز مشارکت در عرصه‌های مختلف باشند، تصویب و اجرایی نشده است. از نظر پاسخگویان ۵ و ۳: «قانون، سازوکارها و زمینه‌های مشارکت را در جامعه فراهم نکرده است؛ بنابراین نمی‌توان به ارتقای روحیه مشارکت‌جویی مردم امیدوار بود» و «یکی از موانع رسیدن به حکمرانی خوب، بزرگ‌بودن دولت است و باید کوچک‌سازی دولت صورت گیرد و خیلی از مسئولیت‌ها و کارها به بخش عمومی و مدنی واگذار شود.»

## ۶. بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی تحقیق، شناسایی موانع مشارکت در تحقق حکمرانی خوب با تأکید بر بخش مدنی بوده است. طبق نتایج بدست آمده مشارکت مدنی یکی از متغیرهای بسیار مهم در تحقق حکمرانی خوب است. مشارکت اجتماعی شرکت فعالانه افراد در حیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و به‌طورکلی تمامی ابعاد است و با توجه به فضای تعامل و همکاری‌ای که ایجاد می‌کند می‌تواند در راستای تعالی اخلاقی جامعه و کمال مطلوب مؤثر باشد، اما متأسفانه این مهم در شهر یزد با چالش‌هایی روبه‌رو است که در بخش یافته‌ها به آن پرداخته شد و در این قسمت به بحث درباره آن می‌پردازیم. از جمله موانع اصلی مشارکت، ضعف جامعه مدنی است که با نتایج تحقیق حشمت‌زاده (۱۳۹۶) همسو است. مطابق نتایج پژوهش، ضعف جامعه مدنی نشئت‌گرفته از ده عامل است که عبارت‌اند از: ۱. اهرمی شدن نهادهای مردمی؛ ۲. تقدم منافع فردی بر منافع جمع؛ ۳. عدم پرورش فکری مردم و آگاهی اندک؛ ۴. مشارکت تشریفاتی؛ ۵. تضعیف روحیه تساهل و همکاری؛ ۶. بی‌توجهی به منابع انسانی؛ ۷. بی‌اعتمادی درون‌گروهی؛ ۸. بی‌اعتمادی برون‌گروهی؛ ۹. بی‌اعتمادی بین‌گروهی؛ ۱۰. ناکارآمدی ساختاری. در تحلیل ضعف جامعه مدنی می‌توان به تمرکزگرایی در دولت اشاره کرد. درواقع، بدنه فربه دولت یکی از موانع اصلی تحقق حکمرانی خوب است که کوچک‌سازی آن می‌تواند در رسیدن به شاخص‌های حکمرانی خوب و مشارکت مدنی تأثیرگذار باشد؛ چرا که دولت کوچک، فرصت‌های بیشتری برای مشارکت مردم و جامعه مدنی فراهم می‌کند و به دنبال آن شفافیت نیز بیشتر خواهد شد. دولت باید در سیاست‌گذاری‌های متمرکز بازنگری کند و با دادن اختیار بیشتر به جوامع محلی و مقامات استانی، زمینه مشارکت بیشتر مردم و مقامات محلی در فعالیت‌ها و امور را فراهم سازد. دولت باید برای واگذاری مسئولیت‌ها و ایجاد فرصت‌های برابر اقدام کند. تحقق حکمرانی خوب مستلزم اصلاحات ساختاری و فراهم کردن بسترهای قانونی برای رقابت سالم و منسوخ کردن تمرکزگرایی است.

سرمایه اجتماعی امروزه یکی از ملزومات رسیدن به جامعه مدنی و نیز یکی از ابزارهای اصلی ظرفیت‌سازی درون اجتماع به‌شمار می‌رود (پایانی فر و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۴۶).

نظریه‌های کثرت‌گرایی و جامعه مدنی مؤید این امر هستند و در تغییر نقش دولت در اداره جامعه مؤثر بوده‌اند. مباحثی از قبیل گردش قدرت میان گروه‌ها، فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری جمعی، مشارکت بخش عمومی و خصوصی در کنار بخش دولتی و مدیریت از پایین به بالا ارتباط نزدیکی با جامعه مدنی و کثرت‌گرایی دارند. گیدنز معتقد است دولت و جامعه مدنی باید در مشارکت با یکدیگر عمل کنند و هرکدام کار دیگری را تسهیل کند، ولی در عین حال به‌عنوان یک عامل کنترل نسبت به دیگری عمل کند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۹۰).

جامعه مدنی از ارکان اصلی حکمرانی خوب است که متأسفانه جایگاه اصلی خود را پیدا نکرده است. مشارکت، فلسفه وجودی جامعه مدنی محسوب می‌شود و دولت باید زمینه فعالیت بیشتر جامعه مدنی را از طریق تسهیل ایجاد تشکلهای و حمایت‌های قانونی لازم فراهم سازد. همچنین در تأمین شرایط لازم برای اعتماد مردم به بخش مدنی اقدام کند.

نظریه پرمسئولیت‌بودن دولت نیز به این امر اشاره دارد که دولت‌ها به تدریج وظایف هرچه بیشتری را برعهده گرفته‌اند، از جمله مالکیت عمومی صنایع، کارهای عام‌المنفعه و حمل‌ونقل و همچنین خدمات رفاهی و اجتماعی و... دولت‌ها مسئولیت‌هایی را گرفته‌اند که فراتر از توانایی مالی و اداری آن‌ها است و در بسیاری موارد از عهده انجام دادن آن‌ها برنیامده‌اند و این امر سبب ناکامی دولت‌ها و کاهش اعتماد و حمایت عمومی نسبت به آن‌ها شده است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۳۵۷).

نتایج حاکی از آن است که ضعف جامعه مدنی ناشی از خودتخریبی تشکلهای و رقابت ناسالم است که خود مانعی برای تحقق حکمرانی خوب است. در این صورت، با شکل‌گرفتن بازی خودتخریبی توسط تشکلهای جامعه مدنی، عملکرد کلی تشکلهای مدنی در کشور تضعیف می‌شود و عملاً بخش مدنی در تصمیم‌گیری‌ها از دست می‌رود.

رقابت سالم و اولویت‌بندی منابع از طریق اشتراک مساعی و همفکری همه ذی‌نفعان در فرایند تصمیم‌گیری بسیار مهم است. این امر برای ایجاد چارچوبی فنی در راستای افزایش شفافیت در تمامی سطوح حکمرانی، به‌ویژه سطح محلی، حیاتی است؛ بنابراین شفافیت، در شکل‌گیری درست فرایندهای تصمیم‌سازی نقشی کلیدی دارد (شریف‌زادگان و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۹).

ظهور روحیه فردگرایی نیز از دیگر موانع تحقق حکمرانی خوب تلقی می‌شود که با نتایج تحقیق اخوان کاظمی (۱۳۸۶) که غلبه روحیه فردگرایی و سستی فرهنگ مشارکتی را مطرح کرده همسو است.

طبق نتایج تحقیق، ناکارآمدی ساختاری نیز به‌وضوح در بخش دولتی، خصوصی و مدنی به‌چشم می‌خورد و این ضعف ساختاری، راه‌های رسیدن به حکمرانی خوب و کاربست مشارکت مدنی را مختل کرده است. به‌طورکلی با توجه به نتایج پژوهش نقش بخش مدنی در تحقق شاخص‌های حکمرانی خوب کمرنگ است. افول سرمایه اجتماعی که خود لازمه مشارکت است به شکاف بین دولت و ملت منجر می‌شود. دولت و جامعه مدنی باید مکمل یکدیگر باشند. دولت برای بقا نیازمند پایگاه اجتماعی منسجم و مقبولیت عمومی است که این مهم در پرتو جامعه مدنی قوی محقق می‌شود. جامعه مدنی نقش مهمی در حمایت از حقوق شهروندان دارد و با پیوند افراد به متن جامعه و حوزه عمومی سبب تأثیرگذاری و مشارکت افراد می‌شود. از جمله راهکارهای برون‌رفت از این مشکل، تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکلهای مدنی است. تحقق حکمرانی خوب به ضعف یا قوت مشارکت مدنی بستگی دارد و مستلزم وجود یک جامعه مدنی است که بر مشارکت مدنی استوار باشد. هیچ جامعه‌ای بدون مشارکت همه‌جانبه نمی‌تواند به توسعه و تحقق حکمرانی خوب برسد. در همین راستا، دولت باید در سیاست‌گذاری‌های متمرکز، بازنگری کند و با دادن اختیار بیشتری به جوامع محلی، زمینه مشارکت بیشتر مردم و مقامات محلی در فعالیت‌ها و امور را فراهم کند. جامعه مدنی قوی سبب تولید مشارکت مدنی،



سرمایه اجتماعی و ارتباط شهروندان با حکومت می‌شود. پیچیده‌تر شدن نظام اجتماعی شهر، ضرورت مشارکت شهروندان در مدیریت شهری را بیش از پیش کرده است. شهر یزد نیز مطابق نتایج از این مسئله مستثنا نیست و در این شهر با ضعف جامعه مدنی مواجه هستیم. رفع این مشکل نیازمند برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت در امور شهری و بازنگری تصمیمات سازمانی است.

**مأخذ مقاله:** مستخرج از رساله دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه نویسنده دوم با عنوان «موانع مشارکت در تحقق حکمرانی خوب با تأکید بر بخش مدنی (مطالعه موردی: شهر یزد)»، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

## ۷. منابع

- احمدی، یعقوب و نمکی، آزاد (۱۳۹۱)، سرمایه اجتماعی و گونه دموکراتیک فرهنگ سیاسی، *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۱۹(۵۹): ۲۵۰-۳۰۶.  
<https://doi.org/10.22054/qjss.2013.6887>
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶)، بررسی تعاملات فرهنگ سیاسی و حزب در ایران، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۲(۴): ۷-۳۲.  
اکبری، غضنفر (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی و حکمرانی شهری، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، ۲۱(۴): ۱۳۵-۱۵۳.  
<http://dx.doi.org/10.1111/1467-9248.00284>
- امینی، علی‌اکبر (۱۳۹۰)، اثر فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی زنان و دانشجویان. اطلاعات سیاسی- اقتصادی، ۲۸۳: ۸۲-۹۱.  
<http://ensani.ir/fa/article/download/260813>
- آدینه‌وند، علی‌اصغر و حاجی‌زاده، مریم و قدمی، مصطفی (۱۳۹۱)، بررسی عملکرد شهرداری در چارچوب حکمرانی خوب شهری نمونه مورد مطالعه: شهر بابلسر، *فصلنامه مدیریت شهری*، ۱(۲): ۴۱-۶۴.  
[https://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J\\_pdf/28713923103.pdf](https://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J_pdf/28713923103.pdf)
- برک‌پور، ناصر و اسدی، ایرج (۱۳۹۰)، مدیریت و حکمرانی شهری، تهران: دانشگاه هنر.
- پایانی‌فر، ناصر، صداقت‌زادگان، شهناز، موسوی، میرطاهر و رفیعی، حسن (۱۴۰۱)، بررسی ارتباط تعاملات نهادی و شاخص‌های سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی: خیره‌ها و کمیته امداد امام خمینی (ره) در ایران)، *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۱(۲): ۵۴۱-۵۶۷.  
<https://doi.org/10.22059/jisr.2022.340226.1289>
- پرهیزکار، اکبر؛ کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۴)، رویکرد حکمروایی شهری و ضرورت آن در مدیریت منطقه کلان‌شهری تهران، *فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار*، ۵(۱۶): ۲۹-۵۰.  
<https://www.sid.ir/files/jf/69013841602.pdf>
- پیلهوری، نازنین (۱۳۹۴)، ارائه الگویی جهت ارزیابی حکمرانی خوب شهری: شهرداری منطقه ۱۰ تهران، *فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی*، ۵(۴): ۲۶-۴۷.  
<https://ormr.modares.ac.ir/article-28-4044-fa.pdf>
- حاتمی‌زاده، عباس (۱۳۷۹)، *خصوصی‌سازی و تأثیر آن بر استقرار جامعه مدنی در ایران*، رساله کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد و طالبی، محمدعلی (۱۳۹۶)، موانع مشارکت در چالش میان فرهنگ سیاسی و حکمرانی خوب از دید مدیران ارشد دولت جمهوری اسلامی ایران، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۱۲(۱): ۷-۴۰.  
<http://ensani.ir/fa/article/download/371804>
- حسینی، سیدجواد (۱۳۹۸)، حقوق شهروندی و ارتقای حکمرانی مطلوب شهری، *فصلنامه راهبرد سیاسی*، ۳(۹): ۴۳-۶۲.  
<http://ensani.ir/fa/article/download/408223>
- حشمت‌زاده، محمدباقر، حاجی‌یوسفی، امیرمحمد و طالبی، محمدعلی (۱۳۹۶)، بررسی موانع تحقق حکمرانی خوب در فرهنگ سیاسی ایران، *فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر*، ۱(۱): ۱-۲۴.  
<https://doi.org/10.30465/cps.2017.2630>
- دینارفرکوش، بهلول (۱۳۹۰)، بررسی تأثیر نشانگرهای اخلاق رسانه‌ای بر حکمرانی خوب از دیدگاه اساتید دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه تبریز، *مطالعات رسانه‌ای*، ۶(۱۵): ۱۶۱-۱۷۵.  
<https://www.sid.ir/files/jf/6007113901509.pdf>

- رهنما، محمدرحیم و اسدی، روح‌الله (۱۳۹۳)، تعیین شاخص‌های حکمروایی خوب در شهر مشهد، *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*. (۲۰)۵: ۱۴۳-۱۶۲. <http://ensani.ir/fa/article/download/333750>
- رهنمایی، محمدتقی و کشاورز، مهناز (۱۳۸۹)، بررسی الگوی حکمروایی خوب و نقش دولت در مدیریت و اداره امور شهرها در ایران، *جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، (۱)۱: ۲۳-۵۵. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.25383930.1389.1.1.2.6>
- زیاری، کرامت‌اله، نیکپی، وحید و حسینی، علی (۱۳۹۲)، سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری براساس الگوی حکمرانی خوب شهری. *مسکن و محیط روستا*، (۳۲)۳۲: ۶۹-۸۶. <https://www.sid.ir/files/jf/110000139214105.pdf>
- سیف‌اللهی، سیف‌الله (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی توسعه اقتصادی-اجتماعی ایران؛ زمینه‌ها، موانع و تنگناها*، تهران: پژوهشکده جامعه‌پژوهی و برنامه‌ریزی میزان.
- شریف‌زادگان، محمدحسین، فتحی، حمید و ملک‌پور اصل، بهزاد (۱۳۹۴)، حکمروایی خوب نهادسازی برای توسعه: آموزه‌هایی از سطح ملی تا شهری و تجربه‌ای از ایران، *مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، معاونت علم و فناوری*.
- شریف‌زادگان، محمدحسین و قانونی، حسین (۱۳۹۶)، تحلیل رابطه حکمروایی خوب کشورها و کیفیت زندگی شهرها، *رفاه اجتماعی*، (۱۷)۶۶: ۱۸۵-۲۲۱. <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-3027-fa.html>
- شهیدی، محمدحسین (۱۳۸۶)، شهرسازی، حمل‌ونقل و حکمروایی شهری، *جستارهای شهرسازی*، (۱۹)۶: ۳۸-۴۴.
- صفریان، روح‌الله و امام‌جمعه‌زاده، سید جواد (۱۳۹۶)، الگوی حکمرانی خوب؛ سرمایه اجتماعی و توسعه همه‌جانبه، *دولت‌پژوهی*، (۱۲)۳: ۱۴۵-۱۸۱. <https://doi.org/10.22054/tssq.2018.8389>
- عبداللهمیان، حمید و کرمانی، حسین (۱۳۹۴)، تبیین رابطه سرمایه اجتماعی کاربران ایرانی در شبکه اجتماعی فیس‌بوک و مشارکت سیاسی در دنیای واقعی، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، (۴)۴: ۶۱۵-۶۳۵. <https://doi.org/10.22059/jisr.2015.57070>
- غفاری‌نسب، اسفندیار (۱۳۸۷)، نقش شهروندی فعال در بهبود کیفیت زندگی شهری. *مجموعه مقالات دومین همایش نظارت همگانی شهروندی و توسعه سازمانی*، ۴۴۹-۴۶۹. <http://ensani.ir/fa/article/download/309530>
- قلی‌پور، رحمت‌اله (۱۳۸۸)، تحلیل و امکان‌سنجی الگوی حکمرانی خوب در ایران با تأکید بر نقش دولت، *فصلنامه دانش مدیریت*، (۶۷) شماره ۶۷: ۸۵-۱۱۱. <http://ensani.ir/fa/article/download/19217>
- قرلسفلی، محمدتقی و قورچی، مرتضی (۱۳۹۱)، جهانی‌شدن، حکمروایی خوب شهری و رقابت شهرها در عرصه‌های فراملی، *مجموعه مقالات همایش علمی حکمروایی خوب شهری*، جلد یکم، تهران: تیسرا.
- کارگر سامانی، امیر، کردناقیچ، اسدالله، خداداد حسینی، سید حمید و موسوی شفاپی، سید مسعود (۱۳۹۴)، سنجش حکمرانی خوب شهری برای شهرهای جهانی. *فصلنامه پژوهش‌های مدیریت در ایران*، (۱)۱۹: ۱۴۷-۱۶۷. <http://ensani.ir/fa/article/download/344803>
- کرایب، یان (۱۳۷۸)، *نظریه اجتماعی مدرن (از پارسونز تا هابرماس)*، ترجمه عباس مخبر، بی‌جا: بی‌نا. <https://doi.org/10.1177/144078338502100313>
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشرنی. <https://doi.org/10.2307/2579680>
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، *راه سوم، بازسازی سوسیال‌دموکراسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: شیرازه.
- معصومی‌راد، رضا (۱۳۹۱)، نقش حکمروایی خوب شهری بر کیفیت زندگی شهری، *مجموعه مقالات همایش علمی حکمروایی خوب شهری*، تهران: فرارنگ، جلد یکم، ۶۷۳-۷۱۶.
- ملکی، سعید، آروین، محمود و بذرافکن، شهرام (۱۳۹۷)، بررسی نقش الگوی حکمروایی خوب شهری در تحقق شهر تاب‌آور؛ مطالعه موردی: شهر اهواز، *دانش شهرسازی*، (۴)۲: ۱-۱۸. <https://doi.org/10.22124/upk.2019.12195.1162>

موحد، علی، کمانرودی، موسی، ساسان‌پور، فرزانه و قاسمی کفرودی، سجاد (۱۳۹۳)، بررسی حکمرانی خوب شهری در محله‌های شهری (مطالعه موردی: منطقه ۱۹ شهرداری تهران)، *مطالعات ساختار و کارکرد شهری*، ۲(۷): ۱۴۷-۱۷۶.  
[https://shahr.journals.umz.ac.ir/article\\_1012\\_b147083af77c679ff54528316798e3b8.pdf](https://shahr.journals.umz.ac.ir/article_1012_b147083af77c679ff54528316798e3b8.pdf)  
مهاجری، اصغر (۱۳۸۲)، چالش پارلمان‌های محلی ایران در فرایند گذار. *مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش شوراهای اسلامی، تهران: پژوهشگاه جامعه*، ۱۹۳-۲۱۰.  
نوبری، نازک و رحیمی، محمد (۱۳۸۹)، حکمرانی خوب شهری یک ضرورت تردیدناپذیر. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.

- Abdollahyan, H., & Kermani, H. (2015). Explaining the relationship between Iranian users' social capital in the Facebook social network and political participation in the real world. *Journal of Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran*, 4(4), 615-635.  
<https://doi.org/10.22059/jisr.2015.57070> (In Persian)
- Adinevand, A., Hajizadeh, M., & Ghadami, M. (2012). Investigating the performance of the municipality in the framework of good urban governance; case study: Babolsar city. *Journal of Urban Management*, 1(2) 41-64. [https://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J\\_pdf/28713923103.pdf](https://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J_pdf/28713923103.pdf) (In Persian)
- Ahmadi, Y., & Namaki, A. (2012). Social capital and the democratic form of political culture. *Journal of Social Sciences*, 59, 241-294. <https://doi.org/10.22054/qjss.2013.6887> (In Persian)
- Akbari, Gh. (2006). Social capital and urban governance. *Journal of Geographical Research*, 21(4), 136-153. <http://dx.doi.org/10.1111/1467-9248.00284> (In Persian)
- Akhavan Kazemi, B. (2007). Investigating the Interactions of Political Culture and sect in Iran. *Journal of Political Science*, 2(4), 7-32. (In Persian)
- Amini, A. (2011). The effect of political culture on the political participation of women and students. *Journal of Political-Economic Information*, 283, 82-91. <http://ensani.ir/fa/article/download/260813> (In Persian)
- Arabyarmohamadi, J., & Esmaeili Khoshmardan, A. (2020). Indicators of good governance and assessment of the situation in Iran. Research Institute of Economic Affairs. *Ministry of Economic Affairs and Finance*, Report ID: 9901020083, 1-34.
- Berekpur, N., & Asadi, I. (2011). Urban management and governance. Tehran: *Tehran University of Arts Research Assistant*.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006), Using thematic analysis in psychology, *Qualitative Research in Psychology*, 3, 77-101. <http://dx.doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>
- Dinarfarkush, B. (2011). Investigating the effect of media ethics indicators on good governance from the perspective of professors of Islamic Azad universities in Tabriz region. *Journal of Media Studies*, 6(15), 161-175. <https://www.sid.ir/fileservers/jf/6007113901509.pdf> (In Persian)
- Ghafarinasab, E. (2008). The role of active citizenship in improving the quality of urban life. *Proceedings of the Second Conference on Public Citizenship Supervision and Organizational Development*, 449-469. <http://ensani.ir/fa/article/download/309530>
- Ghezelsoufa, M. T., & Ghourchi, M. (2012). Globalization, good urban governance and competition of cities in transnational arenas, *Proceedings of the Scientific Conference on Good Urban Governance*, Vol. 1, Tehran: Tisa.
- Gholipur, R. (2009). Analysis and feasibility study of good governance model in Iran with emphasis on the role of government. *Journal of Management Knowledge*, 67, 85-111.  
<http://ensani.ir/fa/article/download/19217> (In Persian)

- Giddens, A. (1999). *The third way is the reconstruction of social democracy*. Translated by: M. Saburi. Tehran: Shirazeh.
- Hajiyussefi, A., & Talebi, M. (2017). Barriers to participation in the challenge between political culture and good governance from the perspective of senior managers of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Political Science*, 12(1), 7-40. <http://ensani.ir/fa/article/download/371804> (In Persian)
- Hatamizadeh, A. (2000). Privatization and its impact on the establishment of civil society in Iran. *Master Thesis in Political Science*. University of Tehran.
- Haus, M., & Erling Klausen, J. (2011). Urban leadership and community involvement: Ingredients for good governance?. *Urban affairs review*, 47(2), 256-279. <https://doi.org/10.1177/1078087410388867>
- Hendriks, F. (2014). Understanding good urban governance: Essentials, shifts, and values. *Urban Affairs Review*, 50(4), 553-576. <https://doi.org/10.1177/1078087413511782>
- Heshmatzadeh, M., Hajiyusefi, A., & Talebi, M. (2017). Investigating the obstacles to achieving good governance in Iranian political culture. *Quarterly Journal of Contemporary Political Research, Institute of Humanities and Cultural Studies*, 2(1), 1-24. <https://doi.org/10.30465/cps.2017.2630> (In Persian)
- Hoseyni, J. (2019). Citizenship rights and the promotion of good urban governance. *Journal of Political Strategy*, 3(9), 43-62. <http://ensani.ir/fa/article/download/408223> (In Persian)
- Kargarsamani, A., Kordnaeich, A., Hoseini, Kh., & Musavishafaei, M. (2015). Measuring good urban governance for global cities. *Journal of Management Research in Iran*, 19(1), 147-167. <http://ensani.ir/fa/article/download/344803> (In Persian)
- Kolman, J. (1998). *Foundations of social theory*. Translated by: M. Saburi. Tehran: Ney. <https://doi.org/10.2307/2579680>
- Krayb, Y. (1999). *Modern social theory (from Parsons to Habermas)*. Translated by: A. Mokhber. ?. <https://doi.org/10.1177/144078338502100313>
- Masumirad, R. (2012). The role of good urban governance on the quality of urban life. *The scientific conference on good urban governance*. Tehran: Fararang. Vol. 1, 673-716.
- Melki, S., Arvin, M., & Bazrafkan, Sh. (2018). Investigating the role of good urban governance model in achieving a resilient city; Case study of Ahvaz city. *Quarterly Journal of Urban Planning Knowledge*, 2(4), 1-18. <https://doi.org/10.22124/upk.2019.12195.1162> (In Persian)
- Mohajeri, A. (2003). The challenge of Iran's local parliaments in the transition process. *The Conference of Islamic Councils*. Tehran: Pezhval Jam'eeh, 193-210.
- Movahed, A., Kamanrudi, M., Sasanpur, F., & Ghasemi Kafrudi, S. (2014). Investigating good urban governance in urban neighborhoods (Case study of district 19 of Tehran municipality). *Journal of Urban Structure and Function Studies*, 2(7), 147-176. [https://shahr.journals.umz.ac.ir/article\\_1012\\_b147083af77c679ff54528316798e3b8.pdf](https://shahr.journals.umz.ac.ir/article_1012_b147083af77c679ff54528316798e3b8.pdf) (In Persian)
- Mutisya, E., & Yarime, M. (2014). Moving towards urban sustainability in Kenya: A framework for integration of environmental, economic, social and governance dimensions. *Sustainability Science*, 9(2), 205-215. <http://dx.doi.org/10.1007/s11625-013-0223-7>
- Nobari, N., & Rhimi, M. (2010). Good urban governance is an undeniable necessity. Tehran: Publications of Tehran City Studies and Planning Center. (In Persian)
- Omri, A., & Mabrouk, N. B. (2020). Good governance for sustainable development goals: Getting ahead of the pack or falling behind? *Environmental Impact Assessment Review*, 83, 106388. <https://doi.org/10.1016/j.eiar.2020.106388>

- Onichakwe, C. C. (2016). The role of good governance and development administration in national development. *International Journal of Development and Management Review*, 11(1), 176-186. <https://www.ajol.info/index.php/ijdmr/article/view/137835/127398>
- Parhizkar, A., & Kazemain, Gh. (2005). Approach to urban governance and its necessity in the management of Tehran metropolitan area. *Journal of Sustainable Growth and Development Research*, 5(16), 29-50. <https://www.sid.ir/filesserver/jf/69013841602.pdf> (In Persian)
- Payanifar, N., Sedaqatzadegan, Sh., Mousavi, M., & Rafiei, H. (2022). Investigating the relationship between institutional interactions and social capital indicators (Case study: Charities and relief committee of Imam Khomeini in Iran). *Journal of Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran*, 11(2), 541-567. <https://doi.org/10.22059/jisr.2022.340226.1289> (In Persian)
- Pilevari, N. (2015). Provide a model for evaluating good urban governance Tehran District 10 Municipality. *Journal of Organizational Resource Management Research*, 5(4), 26-47. <https://ormr.modares.ac.ir/article-28-4044-fa.pdf> (In Persian)
- Popovych, O. (2008). Good Governance and Policy Addressing Poverty Alleviation in Ukraine. Master's Thesis. University of Twente. <https://purl.utwente.nl/essays/59267>
- Rachel, M. (2012). Good governance as a concept, and why this matters for development policy, United Nations University (UNU). *World Institute for Development Economics Research (WIDER)*. <https://www.wider.unu.edu/sites/default/files/wp2012-030.pdf>
- Rahnama, M., & Asadi, R. (2014). Determining the indicators of good governance in Mashhad. *Journal of Urban and Regional Studies and Research*, 5(20), 143-162. <http://ensani.ir/fa/article/download/333750> (In Persian)
- Rahnamaei, M., & Keshavarz, M. (2010). Investigating the model of good governance and the role of government in managing and administering urban affairs in Iran. *Journal of Geography and Regional Planning*, 1(1), 23-55. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.25383930.1389.1.1.2.6> (In Persian)
- Rathin, B., Arnab, J., Kavi, A., & Krithi, R. (2019). A good-governance framework for urban management. *Journal of Urban Management*, 8(2), 225-236. <https://doi.org/10.1016/j.jum.2018.12.009>
- Safariyan, R., & Emamjomezadeh, J. (2017). The model of good governance of social capital and all-round development. *Journal of Government Studies, Faculty of Law and Political Science*, 3(12), 145-181. <https://doi.org/10.22054/tssq.2018.8389> (In Persian)
- Seyfallahi, S. (2007). *Sociology of socio-economic development of Iran backgrounds obstacles and bottlenecks*. Tehran: Al-Mizan Research Institute of Sociology and Planning. (In Persian)
- Shahidi, M. (2007). Urban transport and urban governance. *Journal of Urban Studies*, 6(19-20), 38-44. (In Persian)
- Sharifzadegan, M., & Ghanuni, H. (2017). Analyzing the relationship between good governance of countries and quality of life of cities. *Journal of Social Welfare*, 17(66), 185-221. <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-3027-fa.html> (In Persian)
- Sharifzadegan, M., Fathi, H., & Melkpurasl, B. (2015). *Good governance of institutional building for development: Lessons from national to urban level and an experience from Iran*. Tehran City Planning and Studies Center, Science and Technology Vice-Chancellor. (In Persian)
- Stewart, K. (2006). Designing good urban governance indicators: The importance of citizen participation and its evaluation in Greater Vancouver. *Journal of Cities*, 23(3), 196-204. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2006.03.003>
- Wagener, H. J. (2006). Good governance, welfare, and transformation. *The European Journal of Comparative Economics*, 1(1), 127-143. <http://ejce.liuc.it/18242979200401/182429792004010106.pdf>

Ziyari, K., Nikpey, V., & Hoseini, A. (2013). Measuring the level of citizen participation in urban management based on the model of good urban governance. *Journal of Housing and Rural Environment*, 32(141), 69-86. <https://www.sid.ir/fileserver/jf/110000139214105.pdf> (In Persian).